

علی اکبر عالیان

نگاهی کوتاه به تحولات اجتماعی و سیاسی از منظر قرآن کریم

تحولات اجتماعی

اشاره:

تحولات اجتماعی و سیاسی از منظر قرآن کریم را می‌توان در دو گزاره‌ی جداگانه مورد بررسی قرار داد. در بحث تحول اجتماعی می‌توان به سه مسئله‌ی بعثت، دعوت و هجرت اشاره کرد. در بحث تحولات سیاسی نیز می‌توان به مولفه‌هایی نظیر: انقلاب برای خدا، تشکیل حکومت، جهاد با دشمن، تبری از دشمنان، مبارزه با منافقان، منحرفان و استکبارستیزی اشاره کرد.

از منظر قرآن، جهان محل تغییرات است البته این تغییرات دارای جهت است، از سویی دیگر انسان‌ها نیز دارای روحیه تحول خواهی می‌باشند و همواره به دنبال تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب هستند.

از منظر قرآن کریم، انسان مأمور به ایجاد تحول است و این تحولات، چه در جهت فردی و چه در جهت اجتماعی، باید به سوی کمال و سعادت بشری باشد. جامعه اسلامی نیز مأمور ایجاد تحول اجتماعی است. در مسیر ایجاد تحول، جامعه با موانع، مشکلات و دشمنی‌هایی روبرو می‌شود و سختی‌هایی نیز برای جامعه اسلامی بوجود می‌آید که البته برای رهایی از این مشکلات، خداوند دستوراتی را ارائه کرده است.

بعثت، دعوت و هجرت؛ سه تحول بزرگ اجتماعی لزوم تغییرات اجتماعی با اراده انسان‌ها

خداوند در بحث تحول اجتماعی بر لزوم تغییرات اجتماعی با اراده انسان‌ها سخن گفته است. عینی‌ترین آیه در این باره، آیه ۱۱ سوره رعد است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملت) را تغییر نمی‌دهد مگر این‌که آنان آن‌چه را در خودشان است تغییر دهند. همچنین در آیه ۴۱ سوره روم آمده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است.

مولفه‌ها:

۱- بعثت

در آیه ۲ سوره «جمعه» خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ؛ او کسی است که در میان درس‌نخوانده‌ها رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند». در آیه ۱۶۴ سوره «آل عمران» نیز آمده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»

در آیه ۱۶۵ سوره نساء می‌خوانیم: «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ»؛ «پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند و بر همه اتمام حجت شود». فلسفه بعثت نیز عوامل زیر می‌باشد:

۱- رفع اختلاف، چنان‌که در آیه ۲۱۳ سوره بقره آمده است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»؛ «مردم در آغاز یک دسته بودند و تضادی در میانشان وجود نداشت، به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد، و اختلافات و تضادهایی در میان آن‌ها رخ داد در این حال خداوند پیامبران را برانگیخت، تا مردم را بشارت و بیم دهند، و کتاب آسمانی که به سوی خود دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود، تا در میان مردم در آن‌چه اختلاف داشتند، داوری کند.»

۲- اجرای عدالت، چنان‌که در آیه ۲۵ حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند.»

۳- رهایی از بیهوده‌گرایی، چنان‌که در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌خوانیم: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ... وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ «کسانی که از فرستاده خدا پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی می‌کنند... پیامبری که بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود از دوش و گردنشان، بر می‌دارد.»

۲- دعوت

پیامبر پس از حدود سه سال دعوت پنهانی، این بار از سوی خداوند ماموریت یافت تا دعوت خود را آشکار سازد. در آیات ۹۴ و ۹۵ سوره حجر این دستور ابلاغ شد: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ»؛ «آن‌چه را مأمور هستی آشکارا بیان کن، و به مشرکان اعتنا نکن؛ ما تو را از گزند مسخره‌کنندگان حفظ خواهیم کرد. این دعوت آشکار با دعوت خویشان نزدیک به اسلام آغاز شد. از طرف خداوند به پیامبر فرمان داده شد که: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ».

خویشان نزدیک خود را انداز و دعوت کن.

در بسیاری از آیه‌های قرآن، دعوت به خیر و رحمت و اصلاح و تزکیه از مهم‌ترین وظایف پیامبر دانسته شده است؛ از جمله:

۱- «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»؛ «به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است!»

۲- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا. وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرًّا مُبِيرًا»؛ «ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و اندازکننده؛ و تو را دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی‌بخش!»

۳- «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛ «همان‌گونه (که با تغییر قلبه، نعمت خود را بر شما کامل کردیم)، رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آن‌چه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.»

۴- «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ «پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود)؛ و خداوند، توانا و حکیم است.»

۵- «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَ مَا كُنَّا مَعَدِّينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا»؛ «هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته؛ و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آن‌که پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند).»

۶- «وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبْعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَئِن أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ»؛ «هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند، مگر این‌که از کیش



آنان پیروی کنی.» بگو: «در حقیقت، تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است.» و چنان چه پس از آن علمی که تو را حاصل شد، باز از هوس‌های آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یاوری نخواهی داشت.

۳- هجرت

در آیه ۱۰۰ سوره «نساء» آمده است: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا وَسَعَةً» (کسانی که در راه خدا و برای خدا مهاجرت کنند، در این جهان پهناور خدا، نقاط امن فراوان و وسیع پیدا می‌کنند که می‌توانند حق را در آنجا اجراء کنند و بینی مخالفان را به خاک بمالند)؛ و در سوره «نحل» آیه ۴۱ نیز بیان دیگر این حقیقت ذکر شده: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»؛ (و آنها که مورد ستم واقع شدند و به دنبال آن در راه خدا مهاجرت اختیار کردند جایگاه پاکیزه‌ای در دنیا خواهند داشت).

همچنین در آیه ۱۰۰ سوره نساء آمده است: «وَمَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا». کسی که از خانه و وطن خود به قصد مهاجرت به سوی خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خارج شود و پیش از رسیدن به هجرت‌گاه، مرگ او را فرا گیرد، اجر و پاداش وی بر خدا است، و خداوند گناهان او را می‌بخشد؛

تحولات سیاسی از منظر قرآن

۱- انقلاب برای خدا

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ قَوْمِ آلِ فِرْعَانَ» (ای رسول ما) بگو (به امت) به یک سخن شما را بند می‌دهم و آن سخن است که شما خالص برای خدا دو نفر دونفر باهم یا هر یک تنها در امر دینتان قیام کنید.

۲- تشکیل حکومت

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا» ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم، تا به آن چه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت کنی - این حکومت باید الزاماً توسط صالحان به‌منظور مقابله با حکومت ناصالحان تشکیل شود: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل در آن سرزمین منت گذاشته، آن‌ها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث قرار دهیم.

۳- جهاد با دشمن

«فَلَا تَطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» از کافران اطاعت مکن، و به وسیله آن (قرآن کریم) با آنان جهاد کن؛ جهادی بزرگ. «وَمَا لَكُمْ لَّا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید در صورتی که جمعی

ناتوان از مرد و زن و کودک و شما که در مکه اسیر ظلم کفارند، آن‌ها دائم می‌گویند بار خدایا! ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون بیاور و از جانب خود برای ما بیچارگان نگهدار و یاوری بفرست.

۴- تبری از دشمنان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَدُوًّا لَكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!

تبری از دشمنان یا با نفی سلطه سلطه‌گران محقق می‌شود: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا وَخُلُودًا هَرَّكَزَ» برای کافران، راهی (برای چیرگی) بر مؤمنان قرار نداده است. و با بسازش ناپذیری با دشمنان: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش، شما را فروگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید. و یا با عدم دوستی با آنان: «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ»؛ نباید اهل ایمان، مؤمنان را وا گذاشته و از کافران دوست گیرند و هر که چنین کند، رابطه او با خدا قطع می‌گردد.

همچنین در آیه ۱۱۸ سوره آل عمران می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» ای اهل ایمان! از غیر همدینان خود دوست صمیمی همراز نگیرید؛ چه آن که آن‌ها که به غیر دین اسلامند، از خلل و فساد در کار شما ذره‌ای کوتاهی نکنند. آن‌ها همیشه مایلند که شما در رنج و سختی باشید.

همچنین اعتماد نکردن به دشمن، از اصول مهم دیگری است که باید در تعامل با آنان مد نظر قرار گیرد:

۱- «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»؛ (و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فروگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید).

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَدُوًّا لَكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا»؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!)



۳- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَزِدُّوكُمْ عَلَىٰ أَغْيَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ»
 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشته‌هایتان بازمی‌گردانند؛ و سرانجام، زیان کار خواهید شد.»

۵- مبارزه با منافقان و منحرفان

مبارزه با منافقان و منحرفان نیز دیگر تحول سیاسی به شمار می‌آید. در این میان باید ماجرای سامری منافق و برخورد انقلابی حضرت موسی با او را مورد اشاره قرار دهیم.

خداوند، ماجرای گمراهی قوم توسط سامری را به موسی وحی کرد، موسی نیز با ناراحتی و خشم از کوه طور به سوی قوم خود بازگشت و آن‌ها را زیر رگبار سرزنش خود قرار داد. در آیات ۸۳ تا ۹۰ سوره طه خداوند این جریان را حکایت کرده است. حضرت موسی همچنین سامری را به خاطر نفاقش مورد شماتت قرار داد، می‌گوید: «فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا»^۴ (موسی) گفت برو که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگویی با من تماس نگیر و تو می‌عادی (از عذاب خداوند) داری که هرگز تخلف نخواهد شد. (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی و بین ما آن را نخست می‌سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم.

۶- استکبارستیزی

یکی دیگر از تحولات مهم سیاسی از نگاه قرآن، بحث مبارزه با استکبار است:

۱- «وَجَاهِدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ و با آنان به جهاد بزرگ بپرداز.

۲- «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ»؛ و با آن‌ها بپیکار کنید، تا فتنه برچیده شود.

۳- «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ با مشرکان، دسته‌جمعی بپیکار کنید، همان‌گونه که آن‌ها دسته‌جمعی با شما پیکار می‌کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

۴- «انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید؛ سبک‌بار باشید یا سنگین‌بار! و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید!

۵- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا أُوهُمْ جَهَنَّمَ وَبئس المصير»؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آن‌ها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است؛ و چه بد سرنوشتی دارند!

- | | | |
|-------------------|-------------------|--------------------|
| ۱۷ . هود، ۱۱۳ | ۹ . نساء، ۱۰۵ | ۱ . شعراء، ۲۱۴ |
| ۱۸ . نساء، ۱۴۴ | ۱۰ . قصص، ۵ | ۲ . توبه، ۱۲۸ |
| ۱۹ . آل عمران، ۴۹ | ۱۱ . فرقان، ۵۲ | ۳ . احزاب، ۴۵ و ۴۶ |
| ۲۰ . فرقان، ۵۲ | ۱۲ . نساء، ۷۵ | ۴ . بقره، ۱۵۱ |
| ۲۱ . انفال، ۳۹ | ۱۳ . نساء، ۱۴۴ | ۵ . نساء، ۱۶۵ |
| ۲۲ . توبه، ۳۶ | ۱۴ . نساء، ۱۴۱ | ۶ . اسراء، ۱۵ |
| ۲۳ . توبه، ۴۱ | ۱۵ . هود، ۱۱۳ | ۷ . بقره، ۱۲۰ |
| ۲۴ . توبه، ۷۳ | ۱۶ . آل عمران، ۲۸ | ۸ . سبأ، ۴۶ |

